

نیم نگاه

خدمت یا خیانت

مخبر السلطنه

علی اکبر قاضی زاده



مخبرالسلطنه هدایت از نسل سیاست بازان قرن اخیر است که به سبک و رویه‌ای که به آن اعتقاد داشتند، به وطن خود خدمت می کردند. آنان آموخته بودند که هر پدیده و رویکردی را تا ترازی همه سنت‌ها پسنجد، هر رویداد و پدیده را زیر نور مصلحت‌ها زیر و بالا کنند و پیش از هر اقدام، پیشینه، عوامل و وابستگی‌های آن را در نظر گیرند. از نگاه این مردان، کار سیاسی، چیزی جز واکنش به رویدادها و پدیده‌هایی نیست که به شکلی با مبانی قدرت در جامعه ربط می یابند. از دید آنان خدمت به وطن جز تقسیم منصفانه – نه عادلانه – موهبت‌ها میان عناصر دخیل در مجموعه ساختار قدرت نیست. نیز خیانت معنایی غیر از برهم زدن تعادل میان تیرورهای آن ساختارها ندارد. این سیاستمداران از میراث سروداری پیشینیان سهم می‌بردن، از سرچشمه یقین می‌نوشتیدند، از نهر ایمان فردی وضو می‌ساخستند و جز به پیامد فوری عمل خود اعتقاد نداشتند. مستوفی، وثوق، قوام، امین السلطان، فرماقترا، سپهسالار، ناصرالملک و . . . از این جمله‌اند.
مخبرالسلطنه هدایت از خرید کشتی از آلمان، در اداره خط تلگراف و در کار ساخت عمارت مخابرات در میدان توپخانه به س‌واسفاده متمم است. کار سیاسی را با پیشخدمتی ناصرالدین‌شاه آغاز کرد و با نخست‌وزیری رضاشاه پایان برد. با آن که محافظه‌کاری افراطی بود و به الیگارشی ستی قاجاری وابسته، در صف انقلابیون مشروطه پرچمدان به حساب آمد. او هم با ستارخان و مجاهدان تبریزی درجدا و هم شیخ محمد خیابانی را از میان برد. نیز او نخستین وزیر مشروطه بود که در برابر روزنامه‌نگاران آزادی طلب ایستاد و . . . مهدی قلی‌خان هدایت (مخبرالسلطنه) از وابستگان یکی از چند الیگارشی دوران قاجار و پهلوی، از چهره‌های بررسی‌نشده تاریخ معاصر ما است. شناسنا و گمنام نیست. اما کسی او را و نقش مهم او را به طور یک‌جا و در طول زمان بر نرسیده است. نام و کارهای او گاه به گاه در حوادث تاریخی دهه‌های آخر قرن سیزدهم و دهه‌های نخست قرن چهاردهم شمسی به میان می‌آید. اما کمتر کسی به خلعت، سرخت، عملکرد و تأثیر او به درستی اهمیت داده است.
مخبرالسلطنه که به گفته خودش به شش پادشاه خدمت کرده است شخصیت پیچیده‌ای نداشت. حتی می‌توان مدعی شد که او با قرائتی ویژه از سیاست در حاشیه و چتر حساس‌ترین حوادث آن دوران تأثیر گذاشت. این رویه که مهم‌ترین تاریخ را یکسره خادم یا خائن بشماریم گرچه کار ساده‌ای است اما از روش درست و عالمانه تاریخ فاصله دارد. بررسی خطی، یعنی کنوکاو در مسیر زندگی اشخاص و نمایاندن آثار و عملکرد آنان در رویدادهای پیش آمده در زمان حیات و زمامداری آن چهره، گرچه معمول نیست، عادلانه‌تر به نظر می‌رسد.
مخبرالسلطنه هدایت از حقوق و پایگاه طبقه خود دفاع کرد و در کار خود تا اندازه‌ای توفیق یافت. اگر نمایندگان طبقه‌های دیگر چنین توفیقی نیافتند، بخشی به دلیل بی‌خبری از سازوکار پیچیده قدرت در کشور و بخشی دیگر به سبب فراموش کردن موقعیت خود و کشور خود در جامعه جهانی بوده است.

دودمان هدایت

کسان هدایت را باید سرحلقه و بنیانگذار صنایع مخابرات در ایران شمرد. این خاندان در دوران قاجاری و پهلوی اغلب از کارگزاران تلگراف، پست و مخابرات بوده‌اند. مهدی قلی پسر سوم علی‌قلی خان مخبرالدوله و نوه رضاقلی خان (امیرالشعرا معروف به هدایت و لهه‌باشی) بود. بنابراین از خاندانی اشرافی است که اعضای آن، در دربار رفت و آمد و در دولت‌ها همواره شغل و مسئولیت داشته‌اند. «رضاقلی خان پسر هادی و نوه‌ادام اسماعیل و کمال بود که آن دو نفر آخر کاره‌ای نبوده‌اند. خود رضاقلی خان اما برای فتحعلی‌شاه شعر می‌گفت و هدایت تخلص می‌کرد. با میرزا آقاسی هم نسبتی داشت، هوای هم را هم داشتند. وقتی می‌خواستند دارالفنون را راه‌اندازی کنند رضاقلی خان شد ناظم این مدرسه. در سال ۱۲۷۷ قمری که مظفرالدین میرزا ولیعهد شد رضا قلی‌خان را به عنوان مربی (لله) او برگزیدند. او چند جلد کتاب هم نوشت. ۲۰ ماه علی‌قلی خان (پسر بزرگ رضاقلی‌خان) در دارالفنون درس خواند. در سال ۱۲۷۵ (در سی سالگی) وقتی اعضا‌دات‌الدوله از پی مجری طرح کشم کشی نلگراف می‌گشت، این علی‌قلی خان را پیشنهاد داد. لابد در او چیزیهای دیده بود. در آن زمان انگلیسیان می‌خواستند برای دریافت خبرهای هند و خاورمیانه خط تلگراف هند- اروپا را بکشند و علی‌قلی خان انتخاب خوبی بود. او خط تلگراف تهران تا تبریز را کشید. در سال ۱۲۷۶ قمری رئیس تلگرافخانه‌های ایران و معاون وزیر علوم (اعضادالسلطنه) شد و ده سال بعد لقب مخبرالدوله گرفت. علی‌قلی‌خان و شاهزاده اعضا‌دالسلطنه بابلغ هفتگی بابت مخایره تلگراف دولتی به خارج از کشور برای دولت حساب‌سازی کردند. به دلیل همین سابقه بود هم – شاید – که از سال ۱۲۹۱ قمری علی‌قلی خان از سوی شاه همه‌کاره تلگراف ایران شد. ناصرالدین یک شغل نان و آب دیگر را هم به علی‌قلی خان وا گذاشت: وزارت معادن. این شغل او را با انگلیسیان مربوط کرد و این ارتباط بعدها عمیق‌تر شد. ۳۰ شاه که خیال می‌کرد با خرید یک کشتی می‌شود از خلیج فارس فراموش صید کرد و ثروتمند شد، ماموریت خرید این کشتی را به علی‌قلی خان واگذاشت. ماجرای دل‌انگیز و عبرت‌آموز این کشتی طلب شما باشد تا در موقع خود آن را بنویسم. خلاصه اینکه در آن زمان نزدیک به صدهزار تومان هزینه این کشتی شد تا به بوشهر بیاید و بعد سالی پانزده‌هزار تومان دولت ایران نگهداری کشتی پرداخت تا نپوسد. در حالی که حتی یک خرچنگ هم با این کشتی صید نشد. لرد کرزن در مورد مخبرالدوله نوشته است :

«مخبرالدوله، هم وزیر علوم، هم وزیر تلگراف و هم وزیر معادن و پسرش- مرتضی قلی‌خان صنیع الدوله – داماد ولیعهد است. [مخبرالدوله] تلگراف قواسین تسلط داشت و اروپا با انگلیسیان روابط پیدا کرد و نشان سی‌ای آن. . . در دریافت داشت و اخیراً هم که شرکت معادن ایران تشکیل شد، روابط او با انگلیسیان نزدیکتر شده است. . .»
در این خاندان نام‌های خان‌های مخبرالدوله (دو نفر)، مخبرالملک (دو نفر)، مخبرالسلطان، مخبرمهابون و . . . مخبرالسلطنه نشان‌دهنده انحصار امور مخابرات باید ارزیابی شود. علی‌قلی‌خان وقتی به قدرت رسید: «تلگراف را به پسر بزرگ خود حسن‌قلی‌خان ناصرالملک، خزانه را به مرتضی‌قلی خان صنیع الدوله و فرهنگ را به برادر خود محمدعقربلی ۹ بخش اول نیزالملک واگذار کرد.»

گزارش سال ۱۳۲۸



شاه حادثه تیراندازی به خود را به کودتایی سلطنتی تبدیل کرد. در سراسر کشور اعلام حکومت نظامی کرد و همه روزنامه‌ها و مطبوعات متق‌دربار را تعطیل کرد. آیت‌الله کاشانی را دستگیر و پس از مدتی نگهداری در خرم‌آباد، به بیروت تبعید کرد. دکتر مصدق را در احمدآباد–ملک شخصی مصدق– محدود ساخت. در آن شرایط حکومت نظامی و با سوءاستفاده از احساس همدردی مردم، دست به تشکیل مجلس موسسان زد تا از این مجلس، حق تشکیل مجلس سنارا که نیمی از نمایندگان آن را شاه منصوب می‌کرد، به دست آورد. حق انحلال مجلس نیز به شاه داده شد. محدودیت در قانون مطبوعات درباره انتقادکنندگان از حکومت و اعضای خاندان سلطنتی شدت یافت و رضاشاه به لقب «کبیر» مفتخر شد. زمین‌های خاندان سلطنتی که از سال ۱۳۲۰ و پس از بیرون رفتن رضاشاه از ایران، به دولت سپرده شده بود، به شاه بازگردانده شد. چه خاصیت‌های شگفتی داشت شلیک آن پنج گلوله! در حوزه قدرت، شلیک آن پنج گلوله! شاه را از فرش به عرش رسانده بود و به دیکتاتوری قدرتمند تبدیل کرده بود. در آغاز این سال، محاکمه سران و رهبران حزب منته توده به جرم شرکت در سوفق‌د علیه شاه، در دادگاه جانی شماره ۲ فرمانداری نظامی شروع شد و در حکم بدوی دکتر فریدون کشاورز، دکتر رضا رادمش، عبدالصمد کامبخش، احساس طبری، علی امیرخیزی، ایرج اسکندری، رضا روستا و آرداشس آوانسیان به اعدام محکوم و مریم فیروز، دکتر محمد بهرامی، دکتر فروتن، امان‌الله فریقی، یوسف جمارانی، محمد شریفی، پطرس شمعون و مهندس محمد شریفی از پنج تاد ده سال زندان گرفتند. قانون تجلیدبذر در سازمان وزارتخانه‌ها و تصفیه‌کارمندان دولت، در این سال به تصویب مجلس رسید.

براساس این قانون، دولتمردان و کارکنان دولت به سه گروه‌بخش «الف» و «ب» و «ج» تقسیم می‌شدند که کارکنان بند «ج» کسانی بودند که از شغل و موقعیت اداری خود سوءاستفاده کرده بودند. نام بسیاری از رجال و دولتمردان در بند «ج» قرار داشت که با کارکنشی و سنگ اندازی آنان، کار این قانون و هیات تصفیه مجری آن به جایی نرسید و معطل ماند. همچنین در این سال، کشیدن خط آهن تهران– تبریز به طول ۷۵۰ کیلومتر و راه آهن تهران– مشهد به طول ۹۲۷ کیلومتر، مورد تصویب مجلس قرار گرفت. لاجاله الحاقی قراردادت نفت از سوی وزیر دارایی به مجلس برده شد. مخالفت حسین مکی که معتقد بود این لایحه الحاقی برای استیفای حقوق ملت ایران کافی نیست، نخستین نشانه‌های مبارزه پارلمنتاریستی برای ملی‌شدن صنعت نفت ایران را پدیدار کرد. در نیمه این سال، حکومت نظامی در تهران برپیده شد و هیات نظارت بر انتخابات مجلس سنا تشکیل و

۲۰ و ۲۱ تیر ۱۳۸۵

روز پیش، به

یادداشت‌های ناظم الاسلام کرمانی



طباطبایی به ناهار کوشید تا تذکری به آقای طباطبایی برای پیوستن به روش اعضای این انجمن بدهد. ناظم الاسلام کرمانی در ذیل یادداشت‌های روزانه‌اش به ذکر تاریخچه‌ای از تشکیل انجمن مخفی دوم و علت انشعاب آن از انجمن مخفی اول مطالبی می‌نگارد که برای افغان میروشکان و اهل دقت، بسیاری از گوشه‌های تاریک تاریخ معاصر ایران را روشن می‌کند. می‌دانیم که انجمن مخفی اول، بنا به دستور آیت الله طباطبایی، در ماه ذی‌حجه ۱۳۲۲ برابر بهمن‌ماه ۱۲۸۳ خورشیدی– با تلاش و کوشش ناظم الاسلام کرمانی، نویسنده تاریخ‌پیداری ایرانیان، راه‌اندازی شد. اکنون پس از گذشت ۱۶ ماه، چرا و چگونه انجمن مخفی اولیه از کار افتاد و انجمن مخفی دوم برپا شد. ناظم الاسلام که در هر دو انجمن در سطح هیات‌مدیره فعال بود، می‌نویسد: موسس انجمن مخفی دوم جناب آقامیرزا محمدصادق طباطبایی [پسر آیت الله سیدمحمد طباطبایی] است. . . . به واسطه بودن بعضی از اعضای انجمن اولیه در این انجمن، می‌توان گفت این انجمن شعبه‌ای از آن انجمن است، [لفظ سیاسی انشعاب، هنوز به کار نبرده شده بود، ولی چون موسس قصدش استقلال بود و در مسلک هم اخیراً مخالف شدند. [انجمن مخفی اول بنا به دستور و زیرنظر آقای طباطبایی اداره می‌شد. منظور از جمله «در مسلک هم اخیراً مخالف شدند» یعنی میرزا محمدصادق طباطبایی با روش مبارزاتی پدرش و شیوه اداره و هدایت انجمن مخالف شد و بهر با تعداد زیادی از اعضا، محترمانه انشعاب کردند. با کتاره‌گیری از انجمن اول، موجبات انحلال آن فراهم آوردند و سپس با بیشتر همان اعضای سابق، انجمن مخفی دوم را با مدیریت جدید و به روش نوین راه‌اندازی کردند.] فلذا این‌لگاریست می‌نویسد انجمن مخفی دوم. مجملآ این انجمن بعد از مراجعت آقایان

از حضرت عبدالعظیم (ع) به طریق خفا متعقد شد و در هفته یک‌ی دو جلسه شب‌ها به طور سیار تشکیل می‌یافت و اعضای آن از این قرار است: آقامیرزا محمدصادق طباطبایی پسر آقای طباطبایی، آقامیرزا مهدی پسر حاج‌شیخ فضل الله، آقامیرزا محمود اصفهانی، اسدالله‌خان ابوالفتح‌زاده، سیف‌الله‌خان ابوالفتح‌زاده قراق برادر اسدالله‌خان، حاج‌جلال‌الممالک، لواءالدوله، معین حضور، بهاء دفتر، آقامسید قریش، آقاشیخ محمد مازندرانی، میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده، ناظم الاسلام نگارنده تاریخ‌پیداری، شوکت‌الوزاره، میرزا کاظم‌خان مستعان‌السلطان، آقامیرزا علی‌محمد زرگر. با نگاهی به نام‌های اعضای انجمن، در میان آنان کسانانی را می‌یابیم که در آینده با انشعاب‌های پیاپی و از حزبی به حزب دیگر رفتن، سرانجام به دامان رادیکالیسم و روش‌های خشونت‌آمیز مبارزه در غلغلتند. در میان آنان باید نگارازان یکی از خشن‌ترین احزاب تاریخ معاصر ایران، یعنی «کمیته‌مجازات» را می‌توان دید. شگفت‌آور این‌که کم نبودند آزادیخواهان و مبارزانی که پیش و پس از مشروطه، در آغاز به آرا و اندیشه‌ها و احزاب سیاسی معتدل روی آوردند و سپس به تدریج– شاید هم به پیروی از روش‌های مبارزاتی خشن روسی– به سمت و سوی خشونت سیاسی رفتند.

۳ تیرماه

ناظم الاسلام کرمانی در یادداشت‌های روزانه‌اش در ادامه تحلیل و تاریخچه انجمن می‌نویسد: «در این ایام، اشخاصی که امور معاشیه آنها از ظلم و استبداد می‌گذرد، مایل به عدلی و مشروطیت شده و با آقایان همراه شدند، از جمله بعضی از اشخاصی که در انجمن مذکور وارد شدند، جدآ‌کار می‌کنند. در حالتی که سابقاً ظالم و مستبد بوده و شاید این ورود و این الحاق، موجب پیشرفت مقصود آقایان هم شود.»
وی ضمن سودمند بودن روشن انجمن مخفی اول، بر دیدگاه مخالف، به دیدگاه آیت‌الله طباطبایی نیز تألیفیه نهاد: «اولیکن عقلا می‌دانند که عدل و سلطنت ملی باید برحسب تقاضا و هیجان

مشروطه

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۴۴



سید محمد تقی میر، یکی از چهره‌های مشروطیت.

گام به گام تا ملی‌شدن نفت

حسن مرسل‌وند

سیدمحمدصادق طباطبایی –فرزند شادروان آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی– به ریاست آن برگزیده شد. در ۲۲ مهرماه این سال بود که دکتر محمد مصدق همراه با جمعی از سیاسیون و نمایندگان مطبوعات که تعدادشان به ۲۰۰ نفر می‌رسید، به دربار رفتند تا از روند ناسالم برگزاری انتخابات شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی، جلوگیری کنند. شاه در پاسخ به دکتر مصدق، آزادی انتخابات و رسیدگی به شکایات انتخاباتی را گوشزد کرد. به پایان رسید. نکته شایان توجه اینکه در انتخابات مجلس سنا، با توجه به اینکه قانوناً شاه حق داشت نیمی از نمایندگان آن– یعنی ۱۵ نفر را– مستتب کند، اما در ۱۵ نفر باقی‌مانده که قانوناً می‌بایستی به انتخاب مردم باشد، قلب‌صورت گرفته بود. در آبان‌ماه نیز حادثه دیگری روی داد. در سیزدهم این ماه عبدالحسین هزیر وزیر دربار مورد تنفر روشنفکران و آزادیخواهان، هنگامی که در مجلس عزاداری و سوگواری دربار در مسجد سپهسالار شرکت کرده بود، مورد اصابت سه گلوله قرار گرفت. تیرانداز سیدحسین امامی عضو جمعیت فدائیان اسلام بود. این اقدام، بلافاصله به اعلام حکومت نظامی دوباره

مشروطه خواهان به فراتر از مرزها می‌اندیشند

فقرا و مظلومین و عامه باشد. مشروطیت یا جمهوریت و یا بنای عدالتخانه، اگر از راه و طریق خاصه شد، بنایش محکم و پایدار نخواهد بود. «تیزهوشی و درستی پیش‌بینی سیاسی آیت‌الله طباطبایی و در پیروی از ایشان، ناظم الاسلام کرمانی که بر این باور بودند برای پیشبرد راستین جنبش می‌بایستی «شعور ملی» پدیدار کرد، یعنی واژگونه روش مبارزاتی آقای بهبهانی و دیگران که می‌کوشیدند در توده‌ها «شور ملی» برپا کنند. و خواهیم دید که بزرگ‌ترین دلیل شکست و ناکامی مشروطه در ایران، این بود که باها جلوتر رفتند و سرها جا نماندند! ناظم الاسلام در ادامه دیدگاه آسیب‌شناسانه‌اش می‌نویسد: «چه همین ظالم و همین رئیس و همین مستبد و زده که امروز معدلت‌خواه شده‌اند، همین فردا که دیدمخالف میل شخصی او رفتار می‌شود، بر ضد سلوک می‌کند و حالت ارتجاع را حاصل می‌نماید؛ دیگر آن که همین اشخاص فردا بر مردم مسلط می‌شوند. امروز یک عین الدوله داریم، فردا هزار عین‌الدوله پیدا می‌شود. در درستی طنزگونه این پیش‌بینی سیاسی بایستی گفت پس از پیروزی مشروطه، آنچنان عین‌الدوله فراوان و زیاد شد که رفتار آن عین‌الدوله اصلی فراموش شد و با سلام و صلوات رفتند و او آرو شدند و بر کرسی صدراعظمی مملکت نشاندند! بخوانیم که ناظم الاسلام در این پیش‌بینی معجزه‌گون خود چه می‌نویسد: «... شاید همین‌ا که جز به امروز رایت عدالت را دست گرفته است، فردا رایت استبداد را به‌دست بگیرد. پس نایست خرسند شد از این که بعضی با آقایان همراه شده‌اند. بلی همراهی این اشخاص متغذ به آقایان قوتی می‌دهد، ولی مقصود بر وجه اتم و اکمل حاصل نمی‌شود، جز به امروز رایت عدالت و عالم شدن عموم، این است که فیلسوف، در انجمن مخفی اول گفت: دعوت رئیس و ابلیخیانی ایل شقاقی مثلاً، مضر به مقصود است. چه این شخص آموزش از استبداد و ظلم گذشته و خواهد گذشت، ولی فایده‌ای که دارد، به توسط او می‌توان فقرای ایل را پیدار کرد که بداند ظلم و ستم بد است، خواه در دست شاه‌جاری شود، خواه در دست ملت اندوزد. رئیس ظالم را باید برداشت، خواه عین‌الدوله باشد، یا اقوام الملک.

نگاهی دیگر به پیرم‌خان

آندرانیک هویان

تهمت‌های ناروایی به پیرم‌خان نسبت داد. مهدی انصاری در کتاب رویارویی در اندیشه نوشته است: ضمن سؤالات، پیرم از در پایین آهسته وارد شد. و پنج شش قدم پشت‌سر آقا برای او صندلی گذاشتند نشست. آقا متلفت آمدن پیرم نشده بود. یک مرتبه آقا از مستظفین پرسید پیرم کدام یک از شما هستند؟ این سند مویید دو مسئله است: یکی آنکه پیرم خان شیخ فضل‌الله را دستگیر نکرده بود زیرا در آن صورت او را می‌شناخت و نیازی به پرسش نداشت، دیگر آنکه پیرم عضو دادگاه نبود و برای او صندلی مجزا گذاشتند و در جایگاه اعضای دادگاه عالی انقلاب نشست. از طرف وزرا حکمی به پیرم خان رسید که بیست نفر از مخالفان مشروطه را دستگیر کنند ولی یک ساعت پیش از اجرای حکم سپهبدار که رئیس الوزرا بود، تلفنی به پیرم‌خان دستور داد که حکم مزبور را متوقف بدارد. (مورگان شوستر– اختناق ایران، ص ۱۵۲) پیرم گفت سپهبدار بی‌شبهه حکم به استخلاف اشخاص مزبور خواهد کرد. در صورتی که امر او را مخالفت نموده و حکمش را امتثال نکنم چون سپهبدار با بعضی از روحانیون روابط دوستانه دارد شاید مرا به این عنوان که کافر می‌شناسند دستور دهد و کهدار نموده و به این وسیله خود را قهرمان و شخص اول قلم دهد. آیا پذیرفتی

منجر شد و بگیر و ببنده‌ها شروع شد. دکتر مظفر بقایی، حایری‌زاده، سیدمصطفی کاشانی – فرزند آیت‌الله کاشانی–، سیدعلی بشارت، علی جواهرکلام، دانش نویخت، خلیل طهماسبی و عبدالقنبر آزاد طبق همه پنج حکومت نظامی بازداشت شدند. دکتر مصدق نیز طبق دستور فرماندار نظامی به سیدحسین امامی در نخستین جلسه‌بازرسی به قتل هزیر اعتراف کرد و گفت: بر من مسلم شد وجود هزیر برای مملکت ضرر دارد، لذا درصدد کشتن او برآمدم و قریب دو ماه بود که اسلحه شبانه‌روزی با من بود تا بالاخره روز سوم محرم توانستم برنامه خود را اجرا کنم. دادگاه نظامی به ریاست سرهنگ جهانشاهی قاجار و دادستانی سرهنگ جهانگیری تشکیل شد و سرانجام حکم اعدام امامی را صادر کرد. وی را دادگاه تقاضای تجلیدبنظر نکرد و گفت: تجلیدبنظر اعامت اتلاف وقت است. دو روز بعد– ۱۷ آبان – حسین مکی نیز به حکم حکومت نظامی بازداشت شد و فردای آن روز، سیدحسین امامی در برابر جوخه اعدام تهران متوقف شد و انجمن نظارت، با بطلن بولر آرا را اعلام کرد. سیدمحمدصادق طباطبایی رئیس انجمن نظارت نیز در اعلامیه‌ای رسمی، فساد در انتخابات را تأیید کرد و آن را باطل دانست. در ۲۱ آبان‌ماه، جبهه ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد و سه روز بعد شاه به آمریکا رفت. در دی‌ماه این سال دولت ساعد استعفاداد، اما دوباره از سوی شاه مامور تشکیل کابینه شد. نخستین بانک خصوصی ایران نیز به نام «بانک بازرگانی ایران» در بهمن‌ماه این سال با سرمایه ۵۰ میلیون ریال آغاز به کار کرد. همچنین در این ماه، سیل خانمان‌براندازی در زاهدان جاری شد که بیش از هزار کشته و هزار و پانصد خانه ویران شده بر جای نهاد. در ۱۸ بهمن‌ماه، میتینگ بزرگی در میدان بهارستان با حضور گسترده مردم تشکیل شد. در این گردهمایی دکتر مصدق درباره ابطال انتخابات گذشته تهران سخن گفت و به افتتاح مجلس قبل از انتخابات دوباره تهران اعتراض کرد. به‌رغم اعتراضات دکتر مصدق، دوره اول مجلس سنا و دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، روز ۲۰ بهمن ۱۳۰۲ آغازش یافت. ریاست مجلس سنا را سیدحسن تقی‌زاده و نایب‌ات او را نصرالملک هدایت و سهام‌السلطان بیات عهده‌دار بودند. در مجلس شورا نیز سردار بزرگپناه شدند. در دیداری که روسای مجلسین با شاه داشتند، شاه از آنان خواستار حقوقی برای خود شد که مجلس موسسان در اصل ۴۹ برای پادشاه در نظر گرفته بود و در آخرین روزهای این سال، سرانجام دولت محمدساعد مراغه‌نیز از کار افتاد.

تجزیه و تحلیل و بررسی تطبیقی دارد. می‌بایستی با شناخت علل و عوامل مستحده، دلایل انحطاط آن را نیز یافت و به عنوان عبرت از آن درس گرفت. بررسی انقلاب مشروطه نیز مشمول همین قاعده است علاوه بر آن با استفاده از تجربیات به دست آمده باید وضعیت موجود را نیز آسیب شناسی کرد تا از تکرار حوادث جلوگیری شود. وقایع نگاری صرف تاریخ و یا بررسی نظری یک رخداد تاریخی اگرچه کار مفیدی است اما نمی‌تواند راهگشای اکثریت جامعه باشد. آنچه که نفع عمومی را در پی خواهد داشت تجزیه و تحلیل بی‌غل و غش تاریخ و مقایسه وضع موجود با آن و تبیین انحراف از معیارها است. اکنون که جمعی از اصلاح طلبان تصمیم دارند با هست روزنامه وزین شرق با نگرش غیرحکومتی و مستقل، مشروطیت در ایران را که اولین تجربه دموکراسی‌خواهی در قاره پهناور آسیا بود، مورد ارزیابی واقعگرایانه قرار دهند، اولاً باید قدرشناس چنین اقدام ارزشمندی بود ثانیاً با عنایت به هزینه‌های زیادی که ملت ایران در یکصدسال اخیر برای دستیابی به حکمرانی خوب پرداخته و همچنین سعادتی‌که متوجه بعد جمهوریست نظام است و اینکه در حدال جاری و سال آینده سه انتخابات مهم برگزار خواهد شد، بناتیان آن سمینار به دور از مصلحت‌اندیشی‌های بی‌مورد و به صورت منطقی و شفاف اوضاع کنونی را با استفاده از تجربیات گذشته آسیب شناسی کرده و راهکارهای خود را ارائه کنند.

حتماً توجه دارند که محوری ترین اصل در نظام‌های دموکراتیک چرخش قانونمند و بدون هزینه قدرت به دست توده مردم و از طریق انتخابات است. اما در کشورهایی که دموکراسی در آنها نهاده‌نشد حتی کسانی هم که با سازوکار دموکراتیک (انتخابات) به قدرت رسیده‌اند از جلب اعتماد مجدد مردم برای ماندن در قدرت مطمئن نیستند، متأسفانه این رویه به یک قاعده تبدیل شده است. البته با توجه به اینکه در این کشورها معمولاً رسانه‌های ملی انحصاری است و منتقدان از امکانات تبلیغی و اطلاع‌رسانی اندکی برخوردارند، حاکمان باید نگرانی از عواقب اقدامات خود، تلاش خواهند کرد با استفاده از امکانات کشور و دست گذاشتن روی نگرانی‌های شهروندان، زمینه اعمال نظر در انتخابات را فراهم کرده است. جالب توجه است همان کسانی که به محدود کردن حق انتخاب مردم در گذشته معترضند در مورد اقدامات مشابهی که در زمان خود آنان رخ می‌دهد بی تفاوت بوده و مخالفتی هم ابراز نمی‌کنند.

خبرنگار قانون اساسی که اعمال نفوذ حکومت مستبد پهلوی در انتخابات را کاملاً کار کرده بودند برای اینکه ملت در آینده شاهد این وقایع نباشد و از طرفی چون نهادهای مدنی شکل نگرفته بود، مسئولیت نظارت بر انتخابات را به عهده نهاد شورای نگهبان که ۶ نفرشان از فقهای عادل هستند– بدون پیش‌بینی تدابیر لازم جهت جلوگیری از تخطی آن شورا از وظیفه نظارتی – گذاشتند.

اما به نظر نگارنده دلایل عمده شکست مشروطیت در ایران یکی انحراف محتوای این نظام حکومتی از اصل و ذات خویش که مردم را صاحبان اصلی قدرت می‌داند. دوم مقاومت صاحبان سنتی قدرت، ملاکین بزرگ و متحجرین در مقابل تغییر و نوآوری و تجدد و سوم روحیه استبدادزدگی مردم بود.

اگر مشروطه واقعی با ملحوظ کردن احکام حیات بخش اسلام تداوم یافته بود به طور یقین امروز ایران جزء کشورهای بسیار پیشرفته قرار داشت.

در این زمان هم جامعه شاهد است که جمعی تحت عناوین مختلف درصددند با تضعیف بعد جمهوریت نظام و کمربنگ کردن نقش مردم و اداره کشور سرنوشت مشابهی را برای نظام جمهوری اسلامی رقم زنند. تجربه تاریخی، کارآمدی نظام‌های جمهوری را در اداره بهتر کشورها و جلب رضایت مردم اثبات کرده است و دیگر نیازی به بحث در حقانیت این موضوع نیست و چون نظام جمهوری اسلامی منظرل امام راحل (ره) و مورد درخواست مبارزین پیش از انقلاب است نظام جمهوری با محتوای اسلامی بوده است لذا در یکصدمین سالگرد پیروزی انقلاب مشروطه در ایران لازم است از موجودیت کامل نظام جمهوری اسلامی دفاع شود و مسئولین مشروطه برای اعمال بعد جمهوریست نظام که همانا برگزاری آزاد انتخابات از طریق تعریف دقیق محدوده نظارت، تفکیک کامل نظارت از اجرا و اصلاح شرایط کاندیداتوری به نحوی که تفسیربردار نبوده و قابل سنجش باشد، مصمم شوند.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات 100years.ir@article

سال سوم ■ شماره ۸۰۴

نگاه

انتظار ازهمایش مشروطه

تجارب گذشته و چشم‌انداز آینده

علی محمد نمازی*

هر ساله در ایام سالگرد پیروزی انقلاب مشروطه حسرت و افسوس بر اذهان جامعه ایرانی سایه می‌افکند و حالت مشترکی با ایرانیان زمان مشروطه که شاهد شکست مشروطه بودند پیدا می‌کنند. اکثریت جامعه چند روزی را در غم از دست رفتن آن فرصت و موقعیت‌های مشابه در صدساله اخیر سپری می‌کنند، اما بخش دیگری از جامعه از طریق نوشتن، شرکت در برنامه‌های سخنرانی و پرسش و پاسخ درصدد بررسی آن رویداد عظیم برمی‌آیند و عموماً فقط از او واکاوی می‌نمایند البته اگر مصون از تحریف و قلب واقعیت‌ها باشد.

در صورتی که بررسی رویدادهای تاریخی نیاز به تجزیه و تحلیل و بررسی تطبیقی دارد. می‌بایستی با شناخت علل و عوامل مستحده، دلایل انحطاط آن را نیز یافت و به عنوان عبرت از آن درس گرفت. بررسی انقلاب مشروطه نیز مشمول همین قاعده است علاوه بر آن با استفاده از تجربیات به دست آمده باید وضعیت موجود را نیز آسیب شناسی کرد تا از تکرار حوادث جلوگیری شود.

وقایع نگاری صرف تاریخ و یا بررسی نظری یک رخداد تاریخی اگرچه کار مفیدی است اما نمی‌تواند راهگشای اکثریت جامعه باشد.

آنچه که نفع عمومی را در پی خواهد داشت تجزیه و تحلیل بی‌غل و غش تاریخ و مقایسه وضع موجود با آن و تبیین انحراف از معیارها است. اکنون که جمعی از اصلاح طلبان تصمیم دارند با هست روزنامه وزین شرق با نگرش غیرحکومتی و مستقل، مشروطیت در ایران را که اولین تجربه دموکراسی‌خواهی در قاره پهناور آسیا بود، مورد ارزیابی واقعگرایانه قرار دهند، اولاً باید قدرشناس چنین اقدام ارزشمندی بود ثانیاً با عنایت به هزینه‌های زیادی که ملت ایران در یکصدسال اخیر برای دستیابی به حکمرانی خوب پرداخته و همچنین سعادتی‌که متوجه بعد جمهوریست نظام است و اینکه در حدال جاری و سال آینده سه انتخابات مهم برگزار خواهد شد، بناتیان آن سمینار به دور از مصلحت‌اندیشی‌های بی‌مورد و به صورت منطقی و شفاف اوضاع کنونی را با استفاده از تجربیات گذشته آسیب شناسی کرده و راهکارهای خود را ارائه کنند.

حتماً توجه دارند که محوری ترین اصل در نظام‌های دموکراتیک چرخش قانونمند و بدون هزینه قدرت به دست توده مردم و از طریق انتخابات است. اما در کشورهایی که دموکراسی در آنها نهاده‌نشد حتی کسانی هم که با سازوکار دموکراتیک (انتخابات) به قدرت رسیده‌اند از جلب اعتماد مجدد مردم برای ماندن در قدرت مطمئن نیستند، متأسفانه این رویه به یک قاعده تبدیل شده است. البته با توجه به اینکه در این کشورها معمولاً رسانه‌های ملی انحصاری است و منتقدان از امکانات تبلیغی و اطلاع‌رسانی اندکی برخوردارند، حاکمان باید نگرانی از عواقب اقدامات خود، تلاش خواهند کرد با استفاده از امکانات کشور و دست گذاشتن روی نگرانی‌های شهروندان، زمینه اعمال نظر در انتخابات را فراهم کرده است. جالب توجه است همان کسانی که به محدود کردن حق انتخاب مردم در گذشته معترضند در مورد اقدامات مشابهی که در زمان خود آنان رخ می‌دهد بی تفاوت بوده و مخالفتی هم ابراز نمی‌کنند.

خبرنگار قانون اساسی که اعمال نفوذ حکومت مستبد پهلوی در انتخابات را کاملاً کار کرده بودند برای اینکه ملت در آینده شاهد این وقایع نباشد و از طرفی چون نهادهای مدنی شکل نگرفته بود، مسئولیت نظارت بر انتخابات را به عهده نهاد شورای نگهبان که ۶ نفرشان از فقهای عادل هستند– بدون پیش‌بینی تدابیر لازم جهت جلوگیری از تخطی آن شورا از وظیفه نظارتی – گذاشتند.

اما به نظر نگارنده دلایل عمده شکست مشروطیت در ایران یکی انحراف محتوای این نظام حکومتی از اصل و ذات خویش که مردم را صاحبان اصلی قدرت می‌داند. دوم مقاومت صاحبان سنتی قدرت، ملاکین بزرگ و متحجرین در مقابل تغییر و نوآوری و تجدد و سوم روحیه استبدادزدگی مردم بود.

اگر مشروطه واقعی با ملحوظ کردن احکام حیات بخش اسلام تداوم یافته بود به طور یقین امروز ایران جزء کشورهای بسیار پیشرفته قرار داشت.

در این زمان هم جامعه شاهد است که جمعی تحت عناوین مختلف درصددند با تضعیف بعد جمهوریت نظام و کمربنگ کردن نقش مردم و اداره کشور سرنوشت مشابهی را برای نظام جمهوری اسلامی رقم زنند. تجربه تاریخی، کارآمدی نظام‌های جمهوری را در اداره بهتر کشورها و جلب رضایت مردم اثبات کرده است و دیگر نیازی به بحث در حقانیت این موضوع نیست و چون نظام جمهوری اسلامی منظرل امام راحل (ره) و مورد درخواست مبارزین پیش از انقلاب است نظام جمهوری با محتوای اسلامی بوده است لذا در یکصدمین سالگرد پیروزی انقلاب مشروطه در ایران لازم است از موجودیت کامل نظام جمهوری اسلامی دفاع شود و مسئولین مشروطه برای اعمال بعد جمهوریست نظام که همانا برگزاری آزاد انتخابات از طریق تعریف دقیق محدوده نظارت، تفکیک کامل نظارت از اجرا و اصلاح شرایط کاندیداتوری به نحوی که تفسیربردار نبوده و قابل سنجش باشد، مصمم شوند.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات 100years.ir@article